

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معمار بادها و مقبره ها

گردآورنده: سپاس رمضانیا

عکاس: شهرزاد داوودی



کتاب

سرشناسه : سپاس رمضان ، ۱۳۶۴
عنوان و نام پدیدآور : معمار یادها و مقبره ها / گردآورنده: سپاس رمضان
مشخصات نشر : تهران: رادیان ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۶۲-۵-۴
وضعیت فهرست نویسی : فایا

موضوع : معماری - هوشنگ سیحون
موضوع : معماری ایرانی - طرح و نقشه
شناسنامه افزوده : شهرزاد داوودی، عکاس
رده بندی کنگره : ۱۴۸۹NA / س ۸۸۶ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی : ۷۲۰/۹۵۵۰۹۲
شماره کتاب شناسی ملی : ۳۶۵۲۵۰۰

این اثر، مشمول قلمرو ایندوفلن، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۳۸ است. هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را پخش، اجاره یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تلفن و فکس : ۶۶۹۲۴۲۴۲

همراه : ۰۹۱۲۴۸۴۶۷۳۸

مرکز پخش : میدان انقلاب - اول کارگر جنوبی - روبروی دانشگاه علمی کاربردی - پلاک ۹



عنوان کتاب معمار یادها و مقبره ها
گردآورنده سپاس رمضان
ناشر رادیان
سال چاپ ۱۳۹۳
نوبت چاپ اول
تیراژ نسخه
قیمت ۱۰۰۰ ریال

ISBN : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۶۲-۵-۴

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۶۲-۵-۴

کلیه حقوق این کتاب برای رادیان محفوظ است.

۷	پیشگفتار
۸	معماری از دیدگاه سیحون
۹	سخنی از کامران دیبا
۱۰	مقدمه
۱۴	شرح حال
۱۸	معماری معاصر ایران
	مقبره‌ها و زه‌ها
۲۱	آرامگاه بوعلی سینا در همدان
۲۳	زندگی‌نامه
۲۵	آرامگاه
۴۰	سنگ قبر قدیمی بوعلی
۴۱	سنگ قبر قدیمی سعید حاک
۴۲	سنگ قبر جدید بوعلی
۴۵	آرامگاه نادرشاه در مشهد
۴۷	زندگی‌نامه
۴۸	آرامگاه
۵۷	آرامگاه کلنل محمد تقی خان پسیان
۵۳	آرامگاه خیام در نیشابور
۶۱	زندگی‌نامه
۶۲	آرامگاه
۷۱	آرامگاه کمال الملک در نیشابور
۷۳	زندگی‌نامه
۷۴	آرامگاه
۷۷	آرامگاه فردوسی در توس
۷۹	زندگی‌نامه
۸۰	انجمن آثار ملی و اندیشه ایجاد بنای آرامگاه فردوسی
۸۰	طرح‌های اولیه آرامگاه
۸۲	هزینه‌های ساخت بنای آرامگاه و تغییر طرح آن
۸۳	جشن هزاره فردوسی

- ۸۴..... تجدید بنای آرامگاه فردوسی
- ۸۵..... مشخصات بنا با الحاقات جدید

ساختمان‌های اداری و فرهنگی

- ۹۴..... اداره مرکزی برق تهران
- ۹۵..... کانادادارای
- ۹۶..... مجتمع آموزشی جاده آرامگاه
- ۹۹..... بازارچه امیر چخماق
- ۱۰۱..... مرکز فرهنگی یزد

ساختمان‌های مسکونی

- ۱۰۴..... منزل و دفتر مهندس سیحون
- ۱۰۶..... منزل آقای کاظمی
- ۱۰۸..... منزل آقای داوود انباز
- ۱۰۹..... منزل آقای بیت
- ۱۱۰..... منزل آقای دوستی
- ۱۱۲..... منزل مهندس سیحون در سن
- ۱۱۴..... منزل مهندس سیحون (ک)
- ۱۱۵..... منزل آقای نمازی
- ۱۱۶..... منزل آقای بابک
- ۱۱۷..... منزل سرگرد محمدی

طرح‌های دوران دانشجویی

- ۱۱۹..... طرح‌های دوران دانشجویی در دانشگاه هنرهای زیبا
- ۱۲۱..... طرح‌های دوران دانشجویی در دانشگاه بوزار پاریس
- ۱۲۵..... کلام آخر
- ۱۲۶..... منابع

هنگامیکه که پروژه مبانی نظری خود را درباره استاد سیحون انتخاب کردم نمی‌دانستم که تا این حد مطالب گسترده و پراکنده است و آن چنان که باید و شاید خدمات و کارهای استاد به ایرانیان معرفی نشده است، خدماتی که از نقاشی و معماری شروع و با طراحی گلیم ادامه پیدا کرد و چون معماری ایران را به نوعی مدیون استاد می‌دانم تصمیم گرفتم روی این موضوع بیشتر کار کنم. در این میان اساتید و دوستان زیادی در رسیدن به این هدف مرا یاری کردند، از همسر که همواره در کنارم بود و اساتید گرامی آقای مهندس علیزاده و آقای مهندس شیرمهنجی که دلسوزانه در جهت ارتقا سطح علمی دانشجویان معماری تلاش می‌کنند، تشکر ویژه دارم.

معماران امروز ما در گیر و دار پیدا کردن هویت است، هویتی که در گذشته از آن برخوردار بودیم ولی در این برهه از زمان از آن بی‌بهره‌ایم. در چند دهه گذشته معمارانی درصدد ارتقا آن بودند تا رشد و شکوفایی گذشته را به معماری ایران بازگردانند، مفاخری همچون کامران دیبا، هوشنگ سیحون، حسین امانت، عباس فرمایان و... حال در این مجال به معرفی مردی می‌پردازیم که با قلم خود مفاخر و دانشمندان را از سینه خاک بیرون کشیده و تاریخ درخشان ایران را با تلفیق معماری سنتی و مدرن به روی جهان عرضه می‌کشد. شاید تا به حال عکسی به یادگار در کنار آرامگاه حکیم عمر خیام گرفته باشید یا مجسمه عمارت خرابیت مقبره نادر شاه شده باشید و یا تناسبات و هندسه آرامگاه بوعلی سینا شما را به تامل وامی‌دارد، بی‌شک خالق آن همه طرح و نقش را نیز یاد کرده‌اید، معمار و نقاش عمارت‌ها و موزه‌های ماندگار. طرح بنا آرامگاه کمال الملک و دهها عمارت دیگر. بله هوشنگ سیحون مردی که با طراحی و خلق آثارش می‌دهد که ایران صاحب یک فرهنگ و معماری غنی و باریشه است و با وجودی که سالهاست که زندگی می‌کند وقتی از او سوال می‌شود: «آیا هنوز خودتان را به لحاظ عاطفی یک شهروند ایرانی می‌دانید یا نه؟ و آیا هنوز تحولات فرهنگی و هنری و اجتماعی این کشور برایتان مهم و جالب هستند یا نه؟» او در پاسخ به این پرسش چنین می‌گوید:

«افتخار می‌کنم که ایرانی هستم و افتخار می‌کنم که درموقع تولد من عصر به من این امکان را داده است که پایم را روی خاک مقدسش بگذارم. هیچ گله‌ای از هیچ کس ندارم. من تمام بی‌مهری‌ها قطعاً از روی عدم آگاهی نسبت به درون و ضمیر من بوده است».

در این مجموعه سعی شده اکثر آثار استاد معرفی و ایده‌ها و تفکرات در خلق این آثار مورد بررسی قرار گیرد. در ابتدا مطالبی از معماری معاصر و سیر تغییرات معماری ایران از سنتی به مدرن را به صورت خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس گذری می‌زنیم به بیوگرافی و زندگی استاد و در انتها هم به بررسی آثار او (در زمینه طراحی و معماری) می‌پردازیم.

امید است با این قلیل مطالب توانسته باشم گوشه‌ای از این دریای بی‌کران را معرفی کنیم.

سپاس رمضانیان

معماری از دیدگاه سیحون

راهی را که من در معماری پیش گرفتم به طور خلاصه و به صورت فهرست ذکر می‌کنم. در معماری، قبل از هر چیز علاقه دارم منطق را همیشه در نظر داشته باشم. هیچگاه هیچ چیز نباید بی منطق در معماری به کار برود، حتی کوچکترین خط و کمترین نقطه باید دلیل و معنی مخصوص به خود داشته باشد و مخصوصاً از فانتزی‌های بی‌معنی و بی‌معز گریزانم. حقیقت بایستی عریان و بی‌پرده در معماری خود نمایی کند ولو اگر گاهی اوقات زنده باشد. اطمینان دارم که حقیقت همیشه زیبایی و لطف مخصوص به خود را خواهد داشت.

آنچه می‌سازم با احتیاجات برنامه و صاحب کار بایستی مطابقت داشته باشد. هیچ چیز زیادتر یا کمتر از آنچه مورد احتیاج است نبایستی ساخته شود با تزئینات زیاده از حد موافقت ندارم. زیرا اگر معماری بی‌نودی خود کامل و زیباست احتیاجی به رنگ و روغن و تزئینات ندارد. حجم‌ها و تناسبات وقتی زیبا باشند هر قدر هم عوامل تزئینی به بنا اضافه کنیم تأثیری در زیبایی آن نخواهد داشت. سادگی و بی-تکلی را هدف می‌انم. یک معماری خوب باید مثل یک شعر عالی ساده، سهل و ممتنع باشد. از شلوغی و دروغ و برداشتن بی‌اندازه گریزانم. نقشه ساده همیشه زود خوانده می‌شود و اشخاص را گمراه نمی‌کند. طرح یک ساختمان مثل حل یک مسئله است. بایستی همیشه ساده‌ترین راه حل را در نظر گرفت و از راه‌های پیچیده در هیچ صحنه نظر کرد. برای هر یک از مصالح ارزش مخصوص به خودش را قائم و همیشه سعی کردیم به کار بردن به موقع آنها ارزش واقعی آنها را به معرض دید بگذاریم. امکانات فنی و ساختمانی که در اختیار داریم همیشه در نظر می‌گیرم و سعی می‌کنم با عوامل موجود خود را تطبیق دهم. برای معماری ایران طرز الاستیک اهمیت فوق العاده‌ای قائم و در تمام موارد سعی می‌کنم از این منبع عالی و گرانبها به عنوان پایه و اساس استفاده کنم و الهام بگیرم و هدفم این است که معماری این کشور را به پایه‌ای برسانم. همان احترام خاصی را که در دوره های گذشته برای ما قائل بودند بازهم داشته باشند.

سخنی از کامران دیبا

در غرب معماران و هنرمندان به صورت برگزیدگان و قهرمانان فرهنگی مورد ستایش و احترام هستند و افراد مستعد و کاردان در زمان حیات شناخته و تشویق می‌شوند. در تاریخ هنر ایران صرف نظر از شعرا که همیشه به نام شناخته شده‌اند و دیگر هنرمندان از جمله معماران ناشناس و گمنامند. تعجب است که در چنین شرایطی معماری در ایران گذشته رونق داشته و تا حد اعلائی خود گسترش و توسعه یافته است و با شاید معماران مساجد بزرگ ارج خود را در آخرت با معنویت اسلام جستجو می‌کردند.

در ایران مدرن بعد از تحول صنعتی و اجتماعی ارزشهای مادی غربی به سرعت در فرهنگ ما نفوذ کرد و افراد به علت عدم تحصیل شهرت و شناخت اجتماعی از ایده آلهای خود دلخسته و منصرف می‌شوند. در چنین شرایطی معماران به تدریج برای کسب مقام و قدرت از حرفه خود به صورت یک وسیله استفاده نمودند. در انتها به سیاست و تجارت می‌پرداختند. قلیل بودن معماران برگزیده معاصر خود معلول این است. بدون شک هوشنگ پهلوی یکی از برگزیدگان معماری معاصر ایرانی است. او علاوه بر فعالیت مداوم در معماری سالهای زیادی را هم به تدریس و تربیت معماران جوان پرداخته است.^۳

هوشنگ سیحون متعلق به سومین نسل معماران ایرانی است که تحصیلات خود را در اروپا انجام دادند. در همان سالهای ۱۳۲۸، هنگامیکه سیحون پس از پایان تحصیل در مدرسه بوزار پاریس به ایران آمده و شروع به کارکرد سبک بین‌المللی تا حد زیادی در میان معماران رواج یافته بود. در تهران به خصوص در محله‌های جدید شمال شهر بیش از پیش الگوهای این سبک بویژه درخانه‌سازی رعایت می‌شد. اما دانشکده هنرهای زیبای تهران از همان ابتدای تاسیس روش آموزش بوزار پاریس را برگزید.

مدرسه ۲۵ سال، آنچه که این معمار و معدود همکاران او در ایران ساختند و آموزش دادند، سرمشق و نمونه کار نسل‌های بعدی معماران دانشگاه دیده، حرفه‌ای‌های قدیمی و حتی بساز و بفروشها قرار گرفت. ربناهای مجلل و تشریفاتی که دارای ارزش نمودگاری هستند تا ساختمانهای ساده کوچک در دورترین نقاط که هیچ‌یک از این زبان معماری به دور نماندند. در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم شیوه‌های معماری سبک بین‌المللی که عبارت بود از تکرار تعداد معدودی نمونه‌های اصلی معمارانه برای بناهای مختلف، به خصوص در شهرهای بزرگ به کلی کنار گذاشته شده بود.

احداث خیابانهای سواره‌رویی شبکه حاکمی شهری بافت شهری سنتی را دچار دگرگونی اساسی کرده و قطعات مالکیت منظم و منطقی را به وجود آورد. با این تغییرات ساختاری در شکل شهر به دوران معماری درون‌گرا با حیات مرکزی پایدار داد. معماران به الگوی تک بناهای جدا از یکدیگر روی آوردند. بدینسان فضای تاریخی جای خود را به محوطه جدیدی می‌داد که روحیه مدرنیسم در آن بیش از پیش دیده می‌شد. جهت اصلی معماری که در گذشته روحانی داشت جای خود را به معماری داد که به سمت تحول و آسایش گرایش داشت. بخشهای مسکونی بصورت شبکه شهری به وجود آمدند و کاخهای دولتی و بناهای عمومی که نمودار تحکیم قدرت مرکزی و دولت بود بیشتر در فضاها و میدانی جای گرفتند که از ویژگیهای معماری شهری نوکلاسیک بهره داشت. این دو جنبه معماری که یکی ضرورت ایجاد بناهای ساده و عملی و دیگری نیاز به نمایش ارزشها و مظاهر فرهنگی نظام زمانه، زمینه مناسب خود را در دوگانگی آموزش معماری در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم یافت.

معرفی کار هوشنگ سیحون فرصتی است مناسب برای آنکه بتوان به جریان پیدایش و تحول معماری نوین در ایران و تاثیر مکاتب مختلف فرهنگی بر این معماری نگریست. بعد از جنگ جهانی دوم اروپا غرق در مسئله بحران مسکن بود معماران در این فرصت روی به نظریه‌های فونکسیونیستی که در سالهای بین دو جنگ تحول یافته بود آوردند و برای جبران خرابیهای حاصل از جنگ روی به امیدها و آرزوهای مدرنیسم آوردند. شهرها و محله‌ها به این ترتیب به سرعت ساخته می‌شد. ایران در آن هنگام آهسته آهسته گام در راه شهرنشینی متعادل می‌گذاشت و به تدریج بناهای عمومی یعنی بناهای

اداری، خدمات عمومی گوناگون و بناهای تشریفاتی جای خود را در شهرها باز می‌کردند. مسکن جدید نیز از جانب گروهی اجتماعی محدود و روشنفکری ساخته می‌شد که در آن دوران آداب زندگی فرنگی را کم و بیش آموخته و میل بر آن داشت که تحول را از خانه خود آغاز نماید.

در اروپا درست به عکس، قدرت اقتصادی این گروه اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم رو به ضعف نهاده بود و الگوی ویلای وینی VIENNOISE سالهای بین دو جنگ جای خود را بیش از پیش به الگوی مسکن اجتماعی و یا به اصطلاح آپارتمان‌سازی می‌داد. چنانکه می‌دانیم الگوهای اخیر توانستند در سی سال بعد از جنگ سیمای شهرهای اروپایی و حومه‌ها را به کلی زیرورو کنند.

در ایران و بخصوص در تهران نه تنها گروه نوحواسته روشنفکر و متمکن بلکه آن دسته از شهرنشینان سنی نیز که با افکار جدید تماس حاصل کرده بودند، متمایل به ترک مرکز مسکونی و تجارتی شهر (بازار محله‌های اطراف آن) شدند و به تدریج خانه‌های خود را در شمال شهر در دامنه کوه البرز بنا نهادند. اختیار داشتن قطعات بزرگ زمین و نبودن یک بافت شهری پیشین برای شکل دادن به این قطعات موجب شد که محله‌های جدید تهران نه به صورت یک استخوان‌بندی شهری بلکه پیرو الگوهایی شبیه حومه‌های آمریکا شکل بگیرند.

در واقع باید پذیرفت که پس از موجود آمدن محورهایی مانند خیابان امام خمینی و فردوسی مکانهای شهری موفقی که قادر به جذب و جذب و خصوصیات ویژه‌ای برای تهران تعریف کنند به وجود نیامد. مرکز شهر در محدوده‌ای که در جنگ ایجاد شده بود باقی ماند و بخشهای مسکونی پراکنده در خارج آن شروع به شکل گرفتن کردند. در بیان این مهاجرت خطی به سمت دامنه البرز، معمار تهرانی با مسئله تک خانه رو به رو بود، تک خانگی که هیچ‌گونه گفتگوی معمارانه با یک بافت شهری موجود را در برابر خود نداشت. در حالیکه معماران فرنگ در قرن اول توانسته بودند تیپولوژی مسکن بسیار قوی شهری بوجود آورند و سبک بین‌المللی را با یک جدولی تهران هماهنگ سازند، معماری جدید سرچشمه الهام خود را در ویلای منفرد از نوع رایج حومه SUBURBIA در آمریکا یافت. اما در بناهای عمومی که ضرورتاً در نقاط مرکزی شهر باید ساخته می‌شد، هنوز از الگوهای فونکسیونالیست پیروی کردند. استفاده از تکنولوژی ساختمانی جدید، ایجاد فضاهای اجتماعی و کاربرد زبان معماری راسیونالیست، تیپولوژی جدید را برای بناهای عمومی به وجود آورد که تنها جای بناهای عمومی پیش از جنگ را که دارای روحیه نئوکلاسیک بودند گرفت.

بناهای یادبود سومین گروه ساختمانهای این دوره بود و در حقیقت تنها فرصت کافی برای ابراز یک زبان صرف معمارانه. برای معمارانی که در مدرسه بوزار فرانسه آموزش دیده بودند. برای این معماران پیش می‌آمد که بتوانند عظمت و ابهت زبان معماری را که در بوزار فرا گرفته بودند در ساختمانهای خود به کار گیرند. بناهای یادبود این فرصت را برای آنان فراهم آورد، اما باید به خاطر داشت که مونومنتالیسم بوزار با سبک آکادمیک پیش از جنگ که ملهم از جنبشهای معماری آلمانی سالهای اولیه قرن بیستم بود WERKBUND به کلی تفاوت داشت.

بوزار بعد از جنگ نیز به کلی با بوزار قرن نوزدهم که پیرو سبکی تاریخی گرا بود تفاوت‌هایی پیدا کرده بود. عطف به جوهر تاریخ جای خود را عطف به عناصر شکلی تاریخ گذشته داده بود و در نتیجه عطف به عناصر شکلی متعلق به دورانها و سبکهای متفاوت، این برداشت آزاد و التقاطی از دورانهای گذشته اصطلاحاً ECLECTISME نامیده می‌شود. از آنجا که دیگر نظم هندسی بیانگر معنی و محتوی نظم معماری دوره معینی نبود و در عوض به مفاهیم مجردی مانند تناسب، تقارن و غیره تقلیل یافته بود، لذا معمار نیز امکان یافته بود که فانتزی‌های هندسی خود را آزادانه به کار اندازد. از سوی دیگر کتاب معروف لوکوربوزیه VER UNE ARCHITECTURE تأثیر بسیاری در محافل معماری گذاشته بود و اهمیت تاریخ، را عنوان سرچشمه الهام زبان معماری به کلی ضعیف کرده بود. گرچه تأثیر این کتاب هرگز انحراف بوزار به درون رخنه نکرد لیکن در سست کردن پایه‌های تاریخ‌گرایی بوزار نقش موثری را ایفا کرد.

بدین ترتیب زبان مونومنتال جدیدی در معماری بناهای یادبود و آرامگاه‌ها شکل گرفت. ترکیب (کمپوزیشن) غیر سلیقه‌نقشه به جای تکرار الگوی تثبیت شده تاریخی، به کار بردن نشانه‌های خارجی معماری برای بیان و استفاده التقاطی از تکنولوژی‌های گوناگون ساختمانی خصوصیات اصلی معماری مونومنتال را تشکیل می‌دهند. توجه اصلی معمار معطوف به ابداع شگردها و نوآوریها بود. مفهوم فضا در این معنای جای نداشت و در عوض تأثیرها EFFETS اهمیت بسیار یافتند. بدین ترتیب نما اهمیت خارجی داده شده و مهمترین جنبه نمایشی بنا را به خود اختصاص داد.

می‌بینیم که در این سبک، تاریخ را بر روی دیوارها و شکل‌ها و حجم‌ها جای خود را به تاریخ موتیف‌ها MOTIFS داده است و معمار تمام روشش خود را بر راه ضبط و ترکیب موتیف‌های معماری‌های دوران گذشته به میل و ابتکار شخصی خود برگزیده است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در دوران خاصی، بحرانی که معمار بوزار ناگزیر از تسلیم به نیازهای فوری و حیاطی جامعه وساده‌کردن زبان هنری خود است. و یادبود موضوع استثنایی و جالبی را تشکیل می‌دهد که معمار بتواند در آن به طریق اولی قوانین بازی برد را به کار اندازد، قوانینی که در غیر این صورت اعتبار تاریخی خود را از دست داده بودند. معماری هانس سیخون نیز از بیشتر این خصوصیات برخوردار است. ویلاها، بناهای عمومی شهری و بناهای یادبود به نسبت جداگانه را برای کاربرد سه زبان مختلف برای او به وجود آوردند.

ویژگی کار این معمار را باید در نحوه استفاده از مصالح دید. او نخستین معمار بود که آهن و سیمان را به طور عیان در ساختمان به کار برد. وضوح ساخت و شهامت در بیان بی‌پروا آنکه با بانک سپه و اداره پست آغاز شد در خانه‌ها نیز شکل خاص خود را یافت. کار سیخون از خانه دکتر بابک که از سبک بین المللی بی‌تأثیر نیست تا منزل خودش در دروس راه مشخصی را طی کرده است. وضوح ساخت، یافتن حساسیت و سلیقه شخصی نسبت به ترکیب سنگ و آهن را باید در حقیقت موفق‌ترین

بیان او از لحاظ مصالح دانست. سیحون در تحول بعدی خود و به سبب نگاهی که همواره به معماری ایران داشت ارزشهای دیگری را در کار خود گسترش داد. استفاده از شکلهای و عناصر معماری عامیانه، استفاده از آجر نه تنها در پوشش بلکه به منظورهای نمایشی و تزئینی و توجه به برخی جزئیات، باید معتقد بود که با وجود همه برداشتهای التقاطی و تنوع جوییها، کار سیحون همواره از نوع خلوص در کاربرد ماده، برخوردار بوده است. خانه شمشک حد تکامل او در ترکیب سنگ و چوب است. همچنانکه ساخت آجری خالص در یک مجموعه آموزشی نمودار پختگی سیحون در رسیدن به یک نوع کمال و حرفه در زبان آجر است. در نگاه دقیقتر به تصویر برخی آثار او این جنبهها از نزدیک ملاحظه می شوند.*